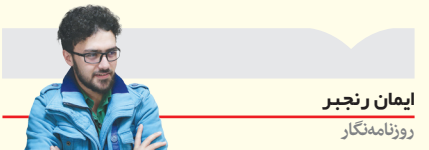


کوروش زارعی در گفت‌وگو با «فرهیختگان» از اجرای نمایش در سوریه می‌گوید

در عرصه هنر هم کنار سوری‌ها هستیم



سرزمین شام در کنار مصر یکی از دو پایگاه اصلی فرهنگ و هنر مترقی، در جهان عرب است. سوریه در گذشته، هم فیلمسازان شاخصی داشت و هم شعرایی نام‌آور؛ اما سال‌ها جنگ و کشمکش، این کشور را تا حدود زیادی از یوایی در این زمینه‌ها عقب انداخته و حالا سوریه‌ای که کم‌کم از روزهای اوج جنگ فاصله گرفته، توجه به مسائل فرهنگی را هم مجدد در دستور کارش قرار داده است. در اینجاست که نقش دوستان سوریه بسیار مهم خواهد بود. حالا وقت آن می‌رسد که یاران، به یاری پیکر زخم خورده و خسته فرهنگ سوریه بشتابند و گره‌ای به یادگار در بافت این تابلوی حریر بزنند. کوروش زارعی، یکی از هنرمندان کارکشته تئاتر ایران است که البته چند باری هم مقابل دوربین سینما و تلویزیون ظاهر شده و در سریال «یوسف پیامبر» که مخاطب منطفه‌ای فراوانی داشت، یکی از نقش‌های اصلی را بازی می‌کرد و روی همین حساب خیلی‌ها در سوریه چهره‌اش را می‌شناسند. زارعی چند وقتی است که به سوریه رفته تا تئاتر «الشمس تشرق من حلب» را برای مردم حلب اجرا کند و پس از اجرای ۱۰ شب در این شهر، همراه با گروه که متشکل از بازیگران سوری و ایرانی است، به دمشق خواهد رفت تا ۱۰ شب هم در کنار بارگاه حضرت زینب(س) اجرا داشته باشند. این نمایش روایتگر ماجرای ملاقات سر امام حسین(ع) با یک راهب نصرانی در همین شهر است و زارعی با به‌روز کردن نمایشنامه‌ای که نیم قرن پیش توسط یک نویسنده عرب نگارش شده بود، آن را به مسائلی از قبیل تکفیر، اسلام غیر واقعی و ... هم ربط داده است. گفت‌وگو با کوروش زارعی درباره فضای فرهنگی سوریه و روحوه مردم این کشور، نسبت هنرمندان سوری با فرهنگ و هنر ایران، نوع استقبال از نمایش الشمس تشرق من حلب و مسائل مختلف دیگری از این دست را در ادامه می‌خوانید.



ایمان رنجبر روزنامه‌نگار

تماشاگر ایرانی در سلیقه تئاتری داشته‌اید، بتواند با این نمایش ارتباط بگیرد؟
مردم سوریه با وقایع عاشورا اییگانه نیستند و آشنایی نسبتا خوبی با این جریان دارند، همچنین حرم حضرت زینب و حضرت رقیه(علیهما السلام) در این کشور قرار دارد و مردم اینجا احترام زیادی برای این دو بانوی بزرگ قائل هستند و به ایشان ارادت دارند. این مساله کار ما را کمی راحت می‌کند. از طرفی ما قرار است در اینجا یک تئاتر را روی صحنه ببریم و با هنر تئاتر و عناصر زیبایی‌شناسانه‌ای که در آن وجود دارد، با مخاطب سوری ارتباط برقرار کنیم و چیزی را به او انتقال دهیم. پس اشتراکات یا عدم اشتراکات فرهنگی یا هرچیز دیگر، در جنس ارتباط‌گیری تأثیری ندارد بلکه آنچه که موثر است نوع ساخت آن تئاتر و رعایت عناصر زیبایی‌شناسانه آن است.

مگر نمایش‌هایی که از فرانسه و آلمان و دیگر کشورهای فرنگی یا کشورهای غربی می‌آیند و در جشنواره تئاتر فجر ایران اجرا می‌شوند، در مسائل فرهنگی یا هرچیز دیگر با ما مشترک هستند؟ خیر، ولی ما با آنها ارتباط می‌گیریم یا برعکسش وقتی ما به کشور آنها می‌رویم هم صادق است. پس حلقه ارتباطی هر اثر با تماشاگرش در چیز دیگری است. ایده نمایش، شیوه اجرا، کارگردانی و... اگر درست، حرفه‌ای و تکنیکال باشد، تماشاگرش از هر نوع، جنس و فرهنگی با آن ارتباط می‌گیرد.

ضمن اینکه ما به محتوای اثرمان فقط با جغرافیای اعتقادی و فرهنگی کشور خودمان نگاه نکردیم، بلکه تلاش کردیم یک نگاه و جغرافیای جهانی و گسترده‌تر را در نظر بگیریم که اگر خواستیم

در یک کشور غیرمسلمان هم اجرا داشته باشیم، هم از لحاظ فرم ساختاری و تکنیکال کار را بیسندند و هم از لحاظ مفهوم اثر بتوانیم با آنها ارتباط بگیریم. واقعه کربلا و موضوع امام حسین(ع) موضوعی جهان‌شمول است. مخصوصا یک جامعه، زمان خاص و

مردمی معدود نیست. کلاسی برای تمام جهانیان در تاریخ بشریت است. درسی است که سال ۶۱ هجری به عالم عرضه شد و شعاع آن اعم از آزادی‌خواهی، تلاش برای زنده نگه داشتن دین، انسانیت، حقیقت‌طلبی، مبارزه با تروریسم و... را تا ابدیت در بر خواهد گرفت. کجای جهان را می‌شناسید که با این مفاهیم مخالف باشند؟ ابتدا وجود ندارد. پس ذات موضوع سیدالشهدا موضوعی جهان‌شمول و فرامرزی و ورای زمان است.

اینجا لازم است بگویم اتفاقا نگاه اولیه ما و ایده اجرای اصلی‌مان هم همین مساله بود و هست. اینکه تأکیدی شود بر آنکه این واقعه مخصوص یک دین یا مذهب نیست،

شده‌اند. درباره خیلی از مسائل که سیاست نتوانسته آن را حل کند و پیش ببرد، هنر پا به میدان گذاشته و آن را مطرح کرده است. به‌عنوان مثال در همین سفری که ما آمده‌ایم تا کنون در همین مدت به‌نمایش‌ها، جلسات و کلاس‌های آموزشی متعددی دعوت‌مان کرده‌اند و درخواست‌های مکرری داشتند مبنی بر برگزاری کلاس‌های آموزشی و درسی که این مساله نشان از قدرت زبان هنر است.

سازمان اوج کلاس‌های غنی و پرمایه‌ای در حوزه فیلمسازی در اینجا برگزار می‌کند که فارغ‌التحصیلان سینما هم در آن دوره‌ها شرکت می‌کنند و حتی تعدادی از آنها علاقه دارند برای تحصیلات تکمیلی به ایران مهاجرت کنند. قطعاً می‌توان آینده خوبی برای این اتفاقات پیش‌بینی کرد. الان روسیه اینجا به‌شدت کار می‌کند و در حوزه‌های مختلف فرهنگی و هنری فعالیت دارد و سوری‌ها هم استقبال می‌کنند، ما اگر می‌خواهیم انقلاب خودمان، همان انقلابی که کشورهای متعددی از جمله سوریه از آن الهام گرفته‌اند و همین‌طور فرهنگ‌مان را صادر کنیم، نباید از این فاصله عقب‌بمانیم. به علاوه ما هم می‌توانیم از آنها مسائل زیادی یاد بگیریم و تبادل فرهنگی، هنری و آموزشی خوبی شکل گیرد.

در مدتی که مشغول ایجاد بسترهای اجرای این نمایش در سوریه بودید و همچنین در زمان پیش‌تولید و الان هم تولید و اجرا، به یک شناخت نسبی از جایگاه و وضعیت تئاتر در سوریه رسیدید. وضعیت تئاتر سوریه را چگونه می‌بینید و از چه میزان کیفیت برخوردار است؟

تئاتر سوریه در بین کشورهای عربی جایگاه ویژه‌ای دارد، البته در مقایسه با کشور خودمان اصلا قابل قیاس نیست، تئاتر کشور ما خیلی پیش‌رتر و پویاتر است، جوانان ویژه‌ای داریم که اگر نگوئیم بی نظیر، به جرأت می‌توان گفت کم‌نظیرند. با این وجود می‌توان گفت که هنر نمایش سوریه در مقایسه با کشورهای عربی دیگر خیلی برجسته است. ژانر کمدی و تئاتر کودک در بین مردم بیشتر مورد پسند قرار می‌گیرد و خصوصا با توجه به آنکه مردم اینجا در شرایط روحی و روانی خوبی به‌سر نمی‌برند و به هر حال روزهای سختی را در جنگ پشت‌سر گذاشته‌اند، شاید یکی از علل استقبال‌شان نسبت به این نوع تئاتر های کمدی و کودک هم همین باشد.

اما در کل مردم فرهیخته، فرهنگی و تئاتر دوستی دارند، حتی جای این است بدانید دوستان تئاتری اینجا به ما می‌گفتند که در شب و روزهای جنگ و بمباران هم یک روز اجراهای نمایش‌مان کنسل نشد و هنرمندان پای کارشان ایستادند و مردم هم استقبال می‌کردند و به تماشا می‌نشستند.

بودجه و برنامه‌های حمایتی این اثر از کجا و توسط چه نهاد یا افرادی تأمین می‌شوند؟

این کار به سفارش مرکز فرهنگی هنری مهاد و میزبانی گروه مهنا که در سوریه فعال هستند، اجرا شد. مجتمع مهاد سازمانی است زیر نظر «اوج» که برنامه‌های فرهنگی و هنری اوج را در این کشور انجام می‌دهد. این اثر تولید سازمان فرهنگی و هنری رسانه‌ای اوج است.

در این مدت آیا مخاطرات جانی و امنیتی هم برای گروه ایجاد شد؟ چه حواشی و اتفاقاتی در جوانب کار پیش آمده‌است که تمایل به بازگو کردن آن دارید؟
همه چیز خیلی خوب پیش‌رفته و هیچ مخاطره جانی و امنیتی برای ما پیش نیامده است. با آنکه سوریه کشوری جنگ‌زده است و هنوز ته‌اجماتی به آن، هم از جانب صهیونیست‌ها و هم از جانب تکفیری‌ها می‌شود و تروریسم همچنان برای ایجاد ناامنی در آن فعال است، ولی امنیت ما را دوستان در اینجا تأمین کرده‌اند و به‌راحتی داریم کارمان را پیش می‌بریم.

برنامه‌ای برای اجرا در کشورهای دیگر هم دارید؟

ما ۱۰ شب در حلب اجرا خواهیم داشت و بعد به مدت یک هفته دکور را به دمشق جابه‌جا خواهیم کرد و ۱۰ شب هم در آنجا اجرا داریم. دوستان‌مان برنامه‌ریزی و تلاش و رایزنی می‌کنند برای اجرا در عراق، لبنان و برخی کشورهای عربی دیگر چون این اثر با زبان عربی تولید شده است. برنامه ما این است حداقل در فاز اول در این کشورها اجرا کنیم و بعد ببینیم چه خواهد شد. برنامه‌ریزی و پیگیری این امور با سازمان اوج و مه‌باد است، من نمی‌توانم به‌تنهایی تصمیم‌گیری کنم. مطمئنم و تصمیم‌ما این است بپرونده این نمایش به این زودی بسته نشود و مفتوح بماند.

برای اجرا در ایران هم برنامه‌ای دارید؟

ما برنامه اجرا در ایران هم داریم، من پیشنهاد دادم این اثر چون به زبان عربی است، در استان خوزستان که مردم آن به این زبان مسلط هستند، اجرا شود. این پیشنهاد هنوز دارد بررسی می‌شود. احتمال اینکه در جشنواره تئاتر فجر امسال هم حضور داشته باشیم وجود دارد. با‌هزم تصمیم‌گیری این مسائل با سازمان اوج است و برای برنامه‌ریزی‌های رفت و آمد و بودجه‌های آن و این‌طور مسائل، باید آنها تصمیم‌گیری کنند.

گزارش

راوی کتاب فرنگیس به آرزویش رسید



روز گذشته هفتمین پاسداشت ادبیات جهاد مقاومت با رونمایی از تقریظ مقام معظم رهبری بر کتاب «فرنگیس» با حضور علیرضا مختارپور، دبیرکل نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور، حجت‌الاسلام والمسلمین شیرازی، مرتضی سرهنگی و جمعی از نویسندگان دفاع مقدس برگزار شد. مهناز فتاحی در این مراسم با اشاره به مراحل نگارش کتاب «فرنگیس» گفت: «در طول این سال‌ها هرگاه با فرنگیس حیدرپور حرف می‌زدم با غم و اشک و آه بود. وقتی خبر چاپ کتاب را به او دادم از ته دل خندید. کتاب فرنگیس به همه ایران تعلق دارد. قلم من یا تبر فرنگیس؟ آیا فرنگیس راوی است و من نویسنده یا من راوی هستم و فرنگیس نویسنده؟ حقیقت آن است که تبر فرنگیس و قلم من یکی است.»

وی ادامه داد: «او مایل نبود، خاطراتش را بنویسد تا اینکه از پدرم که نظامی بود با او صحبت کردم و اینکه من خودم جنگ را حس کردم، در این‌ن زمان او قبول کرد که خاطراتش را روایت کند تا در قالب کتابی منتشر شود. خوشحالم که این کتاب سرانجام ما را به هم پیوند داد.» فتاحی با اشاره به اثرات جنگ در کرمانشاه گفت: «هنوز در کشور ما مین‌ها قربانی می‌گیرند، مردم کرمانشاه نجیب و درد کشیده هستند، خیلی از آنها هنوز پرورنده جانبازی ندارند. خانم‌هایی که در گوشه‌گوشه ایران قلم می‌زنند و درباره جنگ می‌نویسند شاید از هم دور باشند اما دل‌های‌شان به هم نزدیک است.»

نویسنده کتاب فرنگیس در پایان با اشاره به نقش زنان در خاطره‌نویسی دفاع مقدس گفت: «زنان این حوزه به‌صورت ویژه حمایت می‌طلبند، امیدواریم که روزی بتوانیم از طریق داشتن یک انجمن از این زنان حمایت کنیم تا آنها بهتر از پیش در این حوزه قدم بردارند.» وی در پایان اظهار داشت: «خانم حیدرپور حالا کتابش را در نشست‌های کتابخوانی مطالعه و تبلیغ می‌کند.»

فرنگیس حیدرپور راوی کتاب فرنگیس نیز در ادامه با اشاره به بخشی از خاطراتش که در این کتاب درج شده، گفت: «خیلی خوشحالم که امروز در این مراسم حاضر هستم، در سال ۵۹ که نیروهای بعثی به ایران حمله کرده بودند هشت نفر از روستاییان که تعدادی از آنها اعضای خانواده من بودند به صورت مردمی تصمیم می‌گیرند که جلوی دشمن را بگیرند. اینها وقتی عازم می‌شوند، بعثی‌ها ماشین آنها را مورد اصابت قرار داد و همه هشت نفر از شهید می‌کنند. از یک طرف جنازه هشت شهید داشتیم که باید به خاک می‌سپردیم و از طرف دیگر نیز بیوسته بمباران می‌شدیم. با هر سختی که بود این هشت نفر به خاک سپرده می‌شوند.»

وی ادامه داد: «ساعاتی بعد نیروهای بعثی به دل روستا حمله می‌کنند و مردم که عموماً زن و بچه بودند برای حفظ جان‌شان به تپه‌ها می‌گریزند، بچه‌ها گرسنه بودند و آب و غذا می‌خواستند، من به همراه چند نفر دیگر تصمیم می‌گیریم که برای تهیه غذای بچه‌ها به روستا برویم. در راه بازگشت دو سرباز عراقی دیدم که یکی را توانستم با تبر بشده و دومی را اسیر کردم و با خود به تپه‌ها بردم. از اینکه این کتاب نوشته شد و این مراسم برگزار شد، خوشحالم و از خانم فتاحی تشکر می‌کنم. آرزو دارم که رهبر معظم انقلاب را ببینم.»

همچنین مرتضی سرهنگی، مدیر سابق دفتر ادبیات انقلاب اسلامی حوزه هنری نیز در این نشست گفت: «در جنگ‌های دفاعی همه سرباز می‌شوند. کسی پیر و جوان و زن و مرد نیست و همه سرباز می‌شوند. یعنی‌های عراق هم روی یک مساله در حمله به ایران حساب نکرده بودند و آن سرباز شدن مردم ایران بود. خانم فرنگیس حیدرپور با تبر، نیروی دریایی با ناوها و... همه سرباز شدیم تا از مملکت‌مان دفاع کنیم.» وی با بیان اینکه نوشتن پس از جنگ سنت است، افزود: «در دنیا هم این گونه است و همه از جنگ‌ها می‌نویسند تا به مرد‌شان نشان دهند مملکت چه روزهایی را گذرانده و چه شادت‌هایی دیده است، چرا که اگر نوشته نشود، گویی جنگی وجود نداشته است. تا ادبیات جنگ ما به روستاها نرود، اصالت خود را به دست نمی‌آورد؛ زیرا بسیاری از فرماندهان و آزادگان ما در روستاها هستند و کسی آنها را نمی‌شناسد؛ درحالی‌که برای مملکت بسیار فداکاری کرده‌اند. امیدواریم یک گشایشی در حوزه ادبیات مقاومت کرمانشاه رخ دهد. کرمانشاه عضوینج استان جنگی ما است. کار نشده بسیار است. امیدواریم با این اتفاقی که برای کتاب «فرنگیس» رخ داد، اتفاقات دیگری نیز رقم بخورد.»

پس از برگزاری مراسم هفتمین پاسداشت ادبیات جهاد و مقاومت که در آن تقریظ حضرت آیت الله‌خامنه‌ای بر کتاب «فرنگیس» منتشر شد، خانم‌ها فرنگیس حیدرپور (راوی کتاب) و مهناز فتاحی (نویسنده کتاب) با رهبر انقلاب اسلامی دیدار کردند. فتاحی درباره این دیدار گفت: «پس از ورود حضرت آقا به سالن، بنده و خانم فرنگیس حیدرپور معرفی شدیم، مقام معظم رهبری چندبار فرمودند: خیلی خوب نوشتید، من از شما تشکر می‌کنم. پس از توضیحات برخی مسئولان مجددا رهبر انقلاب با خطاب قراردادن بنده فرمودند: کارتان خوب بود. برای نوشتن این کتاب از شما تشکر می‌کنم.» فتاحی افزود: «در این دیدار سهیل و سپهر دو فرزندم هم حضور داشتند که ایشان را به محضر رهبر انقلاب معرفی کردم. آقا سریع فرمودند: بهمین سال گذشته کتابی از شما درباره این پسران دیدم، ولی هنوز نخوانده‌ام. گفتم برای پسرم دعا کنید، که معظم له دستتی بر سر پسرم کشیدند. اما در این بین سهیل هم از فرصت استفاده کرد و از رهبر انقلاب انگشترشان را طلب کرد که آقا هم به سهیل و هم سپهر و هم ساسان فرزند خانم حیدرپور سه انگشتر دادند. اما در ادامه از فداکاری خانم حیدرپور در زمان دفاع مقدس هم قدردانی کردند.»